

1-136
1-136

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 1

Date of filing: 14 MAY 84

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of MC. MOSK
- Date 14 MAY 84
_____ pages in English 7 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

1-136

1-136

دیوان داوری دعوی ایران -

English version

Filed on 19 MARCH 84

نسخه انگلیسی در تاریخ

ثبت شده است.

پرونده شماره ۱

شعبه سه

حکم شماره ۱ - ۱ - ۱۱۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
 دادگاه داوران مطروح
 ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED

Date ۱۳۶۲ / ۲ / ۲۴
 14 MAY 1984

No. /

ویلیام ال. پیراسوشی ایتس ایران ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده .

DUPLICATE ORIGINAL

نسخه برابر اصل

نظر مخالف ریچارد ام. ماسک

اینجانب بدین منظور با حکم موافقت می‌کنم تا اکثریت حاصل شود. همانطور که توضیح خواهم داد، معتقدم که مرجع این بود که مبالغ بیشتری در حکم به نفع خواهان منظور شود. من بعلاوه دلایل عدم صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل بابت مالیاتها و حق بیمه‌های اجتماعی را مطرح خواهم کرد.

هزینه‌ها

خواهان در مورد این پروژه بزرگ که ساختمان های پیچیده و متعددی را در بر می‌گرفت

در طول یک دوره چندساله به طور مداوم کار کرده و ۳۲ مجلد حاوی مشخصات و ۲۳۵۰ صفحه نقشه تهیه کرده است. از سوابق موجود چنین برمی آید که بین طرفین معدود اختلافاتی بوده و یا از جانب مرکز پزشکی ایران معدود شکایاتی شده است. چنین بنظر می آید که فقط پس از آنکه مرکز پزشکی ایران مواجه با مشکلات مالی شد، مدیریت جدید مرکز بر آن شده راههایی برای فرار از پرداخت بیابد. شکی نیست که وجوهی باید تأذیه می شود و خواهان ناگزیر بوده است که سالها برای دریافت مطالبات خود صبر کنند. به علت وجود شرطی در قرارداد، خواهان فقط توانسته است ۶ درصد بهره در مورد مطالباتش بدست آورد که نرخ است به مراتب پائین تر از نرخهای جاری. خواهان برای تحصیل این حکم، ناگزیر شده است جریان دادرسی طولانی و پرخرجی را نزد این دیوان طی نماید. بر همین اساس، دیوان میبایست تمامی هزینههای متحمل شده توسط خواهان در طول این داوری و از جمله حق الوکاله معقولی را، در حکم منظوری کرد. ماده ۳۸ قواعد دیوان.

تقلیل حق الزحمه

هیچ خواهانی ملزم نیست ادعایش را در حقیقت مطلق یا در حدی فراتر از شک و تردید منطقی اثبات نماید و صرفاً "لازمست که ادعا را با ارائه مدارک و دلایل متقن اثبات نماید. تصمیم دیوان مبنی بر رد بخشهایی از ادعای خواهان حاکی از آنست که دیوان جهت اثبات ادعاها با رسنگینی را به دوش خواهان گذارده است. خواهان برای اثبات بخشهایی از ادعاها که توسط دیوان رد شد، بیش از حد کافی مدرک و سند ارائه نمود و بنظر من رای دیوان در مورد این بخشها، با میزان اعتبار اسناد و مدارک مغایرت داشته است.

مدارک حاکی است که خواهان و مرکز پزشکی ایران طبق ترتیب منظمی با هم کار کرده اند. نقشهها به درخواست مرکز پزشکی ایران طرح ریزی می شد. برای تعیین

حق الزحمه خواهان بابت کارهایی که توسط مرکز پزشکی درخواست ، و توسط خواهان انجام می‌شد ، از برآورد هزینه‌ها استفاده می‌گردید . واضح است که مرکز پزشکی نمی‌توانست به دلخواه خود برآورد هزینه‌ها را کاهش داده و بدین ترتیب حق الزحمه خواهان را بابت کار درخواست و انجام شده تقلیل دهد .

به عنوان مثال ، مرکز پزشکی نمی‌توانست به سادگی برآورد مقدماتی هزینه را برداشته و به دلخواه ارقام آنرا تقلیل و بدین ترتیب حق الزحمه مکتسبه خواهان را برای مرحله اول کاهش دهد . با اینحال ، دیوان ، بر مبنای فرض صرف ، بر کاهش دلخواهانه برآوردها صحه می‌گذارد . این کاهشها مغایر با شرایط قرارداد بوده و هیچگونه فرصتی جهت پاسخگویی برای خواهان باقی نگذارده . فی الواقع ، مدارک کتبی و شفاهی موجود حاکی از آن است که مرکز پزشکی ایران قبول کرده بود که پرداختهای متنازع فیه مرحله اول را در طول مرحله دوم صورت دهد .

در رابطه با ابنیه علوم پایه ، اکثریت قریب با تفاق مدارک حاکی است که ابنیه مزبور در برآوردهای مربوط به مرحله دوم پروژه منظور نشده و بلکه مشخصاً " در برآورد مرحله اول منظور گردیده بود . بعداً " برآورد جداگانه‌ای از مرحله دوم برای ابنیه علوم پایه تسلیم و تصویب شد ، چراکه در کار این ساختمانها ، طبق توافق ، تسریع به عمل آمد . خواهان ، سپس صورت حسابی برای ابنیه مذکور تسلیم داشت و مرکز پزشکی ایران قبول کرد که صورت حساب را بپردازد . دیوان برخلاف آنچه اکثریت مدارک نشان می‌دهد ، فرض می‌کند که ابنیه علوم پایه در بودجه ۱۵ میلیارد ریالی سازمان برنامه و بودجه پیش بینی نشده بود . با اینحال ، این به اصطلاح محدودیت بودجه ، در پاسخ به برآورد پارتیا از مرحله دوم بود که ابنیه علوم پایه را در بر نمی‌گرفت . بدینسان ، باید فرض کرد که محدودیت بودجه هزینه ابنیه علوم پایه را شامل نمی‌شد .

علاوه بر این ، تصویب ۱۵ میلیارد ریال بودجه توسط سازمان برنامه و بودجه نمی‌توانست حقیقتاً الزحمه کاری که قبلاً انجام شده بود

تاثیرگذارند. بلکه ، در این حالت خواهان ، یا هر پیمانکار بعدی ، متعهد می شد که پروژه را برابر با همان مبلغ اجرا نماید. دیوان حق الزحمه خواهان را بر مبنای بودجه ۱۵ میلیارد ریالی محدود می سازد، بر اساس این فرض که این مبلغ تمام حق الزحمه ای است که مورد تقاضا بوده است. لیکن ، دیوان این واقعیت را ندیده می گیرد که خواهان ، همچنین مبلغی بابت کارش در مورد ابنیه علوم پایه درخواست کرده است .

کاهش حق الزحمه ها بدلیل ترجمه نشدن گزارش مرحله دوم سئوال برانگیزاست . ترجمه اسناد و مدارک طرفین معمول و مرسوم نبوده است . گزارشهای قبلی بدون ترجمه پذیرفته شده بود. تمایل خواهان به ترجمه گزارش برای دریافت وجوهی که قبلاً " مستحق آن نبود ، نباید به یک تعهد حقوقی تعبیر شود . همچنین مبلغ تعیین شده توسط دیوان دلخواهانه به نظر می آید .

صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مربوط به مالیات و بیمه های اجتماعی

من معتقدم که دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به ادعاهای متقابل مربوط به مالیاتها و حق بیمه های اجتماعی را ندارد . طبق بند ۱ ماده دویبیا نیه حل و فصل دعاوی ، دیوان نسبت به

" ... هر ادعای متقابل ناشی از همان قرارداد ، معامله یا رویدادی که موضوع ادعای آن تبعه را تشکیل دهد ، در صورتیکه اینگونه ادعاها و ادعاهای متقابل ... ناشی از دیون ، قراردادها ... سلب مالکیتها یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت باشد ... "

دارای صلاحیت است .

این امر احتمالاً درست است که تعهدات مربوط به مالیات و بیمه های اجتماعی ، بدون وجود قرارداد یا موضوع ادعاست ، وجود پیدا نمی کرد ، لیکن این تعهدات ناشی از از

قرارداد نیست، بلکه ناشی از اعمال قانون است. رجوع شونده دولت هند علیه

تایلور

Government of India V. Taylor, A.C. 491, 514 (1955) (U.K.)

"وصول مالیات به قرارداد مربوط نمی‌شود، بلکه موضوعی است اداری و مربوط به دولت که با مناسبات میان دولت و کسانی که در قلمرو قضائی وی هستند ارتباط می‌یابد" حتی اگر بموجب یکی از مواد قرارداد مورد بحث، طرفین متعهدین در قبال عواید حاصل از قرارداد، تعهداتی داشته باشند، چنین ماده‌ای تعهدات مزبور را بر طرفین متعهدین تحمیل نمی‌کند و بنا بر این تعهدات مذکور از قرارداد ناشی نمی‌شود. بر همین اساس در بیانیه حل و فصل دعاوی مینائی برای صلاحیت نسبت به چنین ادعاهای متقابل مقرر نشده است.

علاوه، دیوان به موجب ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی، مجاز و مختار است که "اصول حقوق تجارت و حقوق بین الملل" را، چنانچه مقتضی تشخیص دهد، به کاربرد. مفهوم اصول کلی حقوقی یکی از منابع حقوق بین الملل را تشکیل می‌دهد. رجوع شونده: اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری.

Statute of the International Court of Justice, Article 38(1) (e); I. Brownlie, Principles of Public International Law 15-19 (3d ed. 1979).

یکی از اصول قبول عام یافته حقوقی اینست که یک نظام حقوق داخلی قوانین مربوط به درآمدهای خارجی را به مورد احرامی گذارد.

1 Dicey and Morris, The Conflict of Laws, 92-3 (10th ed. 1980); Cheshire and North's Private International Law 131-134 (10th ed. 1979); A. Von Mehren and D. Trautman, The Law of Multi-state Problems 797 (1965); Government of India V. Taylor, A.C. 491, 514 (1955) (U.K.); Her Majesty, Queen in Right of Province of British Columbia V. Gilbertson, 597 F.2d 1161, 1163 (9th Cir. 1979); cf. Convention on the Recognition

and Enforcement of Foreign Judgments, entered into force 20 August 1983, Art. 1, reprinted in 5. I.L.M. 636 (1966).

همانطور که دادگاهها قبول می‌کنند که وسایل اعمال و اجرای قوانین مالیات بردرآمد داخل یک حوزه قضائی خارجی را درست ندارد (رجوع شود به مورعلیه میچل

Moore V. Mitchell 30 F. 2d 600, 603-04 (2d Cir. 1929)
(Hand, J. concurring),

دیوان نیز چنین وسایلی در اختیار ندارد. اعمال قوانین پیچیده مالیات بردرآمد و مقررات مسنای آنها، غالباً "مسایل خط مشی و سیاست داخلی را مطرح می‌سازد. مطمئناً" این قلمروئی است که دیوان نباید در آن مداخله کند. بعلاوه، مودی مالیاتی در وهله اول، بایک دستگاه اداری سروکار پیدا می‌کند. و چنانچه هنوز اختلافی باقی مانده باشد، غالباً "یک دادگاه اداری بدان رسیدگی می‌نماید. اگر قرار باشد که این دیوان به حل و فصل چنین اختلافهای بپردازد، فی الواقع جای یک دستگاه اداری تخصصی را گرفته است. یعنی نقشی که شایستگی کامل برای ایفای آنرا همیشه ندارد.

بالاخره، لازم به تذکر است که ایران خود مکانیسمهای متعددی برای اطمینان از رعایت قوانین مالیات بردرآمدش در اختیار داشته است. این مکانیسمها شامل کسر (مبالغ) و سایر شروط تأمینی بوده است. در واقع، در رابطه با تعهدات مربوط به بیمه‌های اجتماعی، پیمانکار خارجی رانمی‌توان مسئول دانست، مگر آنکه ثابت شود پرداخت توسط واحد ایرانی به سازمان ذیربط صورت گرفته است. پرونده شماره ۶۰، دادگاه عمومی تهران، شعبه ۸، دوم اکتبر ۱۹۸۲ (در سوابق پرونده های شماره ۵۶ - ۱۰۸۵۳ دیوان).

اینکه دیوان بقدر مبالغی که می‌بایست بابت مالیات کسرمی‌شدا از مبلغ حکم کاسته است، الزاماً "مغایر با این موضع نیست که دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مربوط به مالیاتهای ایران صلاحیت ندارد. اینکه دیوان یک قانون مالیات بردرآمد را به اجرا نخواهد گذاشت به معنی این نیست "که چنین قانونی باید کلاً" نادیده گرفته شود: Cheshire and North's Private International Law 134 (10th ed. 1979).

گرچه من لزوماً " کاهش مبلغ احکام به موجب اینگونه شرایط کسر مالیات را ، تائید نمی‌کنم ، با اینحال ، این مسئله قابل بحث است که خواهان نباید مبلغی زائد بر آنچه به موجب قرارداد حاوی شرط کسر مالیات عملاً " بدست می‌آورد ، دریافت کند .

لذا ، به دلایل مذکور در فوق ، ادعای متقابل مربوط به مالیاتها و حق بیمه‌های اجتماعی می‌بایست به دلیل عدم صلاحیت رد می‌شد .

با حکم صادره به نفع خواهان در پرونده حاضر موافقم .

لاهور ، بتاريخ ۱۷ مارس ۱۹۸۴ برابر با ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۲

Rud M. Mosh

ریچارد ام. ماسک